

با گسترش بیشتر بیماری کرونا در کشورمان، خیلی زود هیاهوی مبلغان شبه علم بویژه در زمینه پزشکی به خاموشی گرایید و به جز نک و نالی از آنها شنیده نمی شود.

دیگر نه شاش شتر و نه شیر ماده الاغ مبلغان طب اسلامی حریف ویروس کرونا نشد.

سیر و پیاز و فلفل و زردچوبه و... طب سنتی نیز که مدعی علاج تمامی بیماریهای حال و آینده بشریت بودند بی اثر شدند.

پرفسور سمیعی و پشکل الاغش هم به ورطه فراموشی رفتند!

همیوپاتی و آب درمانی و... نیز قافیه را در برابر کرونا باختند.

انرژی درمانی و فرادرمانی نیز که مدعی مدجویی از شعور کائنات و وصل شدن به انرژی این خدای نورسیده بودند، در برابر ویروس کرونا گریخته و میدان را در بست به پزشکان و داروسازان و محققان آکادمیک تحویل دادند.

چرا که واگیری و کشتار حاصل از انتشار ویروس کرونا جایی برای عوامفریبی طبهای حاشیه باقی نگذاشت. عوامفریبانی که ناآگاهانه و یا به عمد مدام در تلاش تخطئه پزشکی و دستاوردهای گراندقدر آن بودند به سرعت زبان فرو بسته و ناپدید شدند.

دیگر کسی به چرندیات مدعیان زردچوبه درمانی و سیر درمانی و روغن بنفشه درمانی و... اعتنا نمی کند.

بازار انرژی درمانی و فرادرمانی نیز تعطیل شده است و دیگر ظاهرا مدعی درمان انواع بیماریها و سرطانها و... نیستند.

اینک همه با نگرانی از شیوع بیشتر ویروس کرونا نگاهشان به مراکز تحقیقات پزشکی دوخته شده است تا با تلاش و کوشش این مراکز واکسن این بیماری ساخته شود.

قطع به یقین دنیای علم در شاخه پزشکی از این معضل نیز عبور خواهد کرد و خواهد توانست مشکل بیماری کرونا را حل کند.

مطمئنا در روزگار پسا کرونا دوباره از میدان گریختگان و خاموشان شبه علم، کم کم پای به عرصه جامعه خواهند گذاشت و دوباره در بوق و کرناهای پرمدعای توخالی خود خواهند دمید

اما مطمئن هستم که بخش بیشتری از آدمها به ارزش واقعی علم پی خواهند برد.

ارزشی که نه در تعصب و تخیلات عوامفریبانه، بلکه در تلاش و کوشش-شناخت دقیق و درست طبیعت با تکیه بر علم و عقل و منطق و اخلاق بدست آمده است.